مستندسازان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به رئیس جدید شبکه مستند پیشنهاد می‌دهند

صریح شوید تا مستند بمانید

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

هنوز ۱۰ سالش تمام نشده است اگر مبنای شروع به کار رسمی شبکه «مستند» را اسفند ۸۹ قرار دهیم. با استقبال از روند پخش مستندهای حرفه‌ای در شبکه ۴ و باتوجه به ضرورت پاسخگویی به نیازهای گوناگون جامعه، مرکز مستندسازی سیما شکل گرفت و به تدریج روند حرفه‌ای‌تر شدن را طی کرد تا شبکه‌ای مختص این ساختار به‌عنوان اولین شبکه تخصصی دیجیتال پایه گذاری شد. اینها دلایلی است که برای تاسیس شبکه مستند بیان می‌کنند. مردم اما با مستند چندان غریبه نبودند. یکی از اولین برنامه‌های جذاب برای مردم ایران و جهان، مستندهای حیات وحش بود. کم‌کم اطلاعات سازندگان و مخاطبان از ژانرهای دیگر مستند هم بالا رفت و تحولی بزرگ در حوزه مستندسازی ایران به‌وجود آمد. مدیرانی به این شبکه آمدند و رفتند و ساختار شبکه مستند آرام آرام شکل گرفت. تعداد مخاطبانش بیشتر شد و گاهی هم در رده‌بندی‌های فصلی، جایگاه خوبی بین همه شبکه‌های تلویزیونی به‌دست می‌آورد.

شنبه هفته جاری بود که مرتضی میربافری، معاون سیما در حکمی محسن یزدی را به عنوان مدیر شبکه مستند سیما و جانشین سلیم غفوری که به شبکه افق رفته بود، منصوب کرد. در متن حکم میربافری خطاب به مدیر جدید شبکه مستند موارد‌ی مانند بهره گیری از الگوی کارآمد و اثربخش مدیریت پیام و استفاده از نظرات کارشناسان متعهد و خبره در ارتقای کیفی و هنری تولیدات مستند در جهت افزایش سرمایه اجتماعی کشور، تعمیق گفتمان انقلاب اسلامی و مقابله موثر با جنگ نرم دشمن و آرایش رسانه‌ای نظام سلطه آمده است که هرکدام البته مهم و استراتژیک هستند. همچنین در حکم معاون سیما بر تولید مستندهای فاخر با موضوع تاریخ مبزرگ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و حرکت‌های حماسی مردم در برهه‌های مختلف انقلاب و استفاده از ظرفیت همه مستندسازان دلسوز که دغدغه اعتلای ایران اسلامی و مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن را دارند تاکید شده است. معرفی مزیت‌های اقلیمی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و توجه به سبک زندگی اسلامی- ایرانی از دیگر انتظارات از مدیر جدید شبکه مستند سیما عنوان شده است.

این نکاتی که در حکم یزدی آمده است حتما مفید مستندسازان و برای سازمان صداوسیما اهمیت دارند. اما نکته مهمی که مغفول مانده است توجه به مخاطب و افزایش تعداد بینندگان است. این برنامه‌های هدفمند و خوب قرار است برای چه کسانی ساخته شوند؟ ای کاش آقای میربافری درباره نسبت مخاطب و شبکه مستند هم مواردی را تبیین می‌کردند که اساسا مخاطب برای مدیران شبکه مستند مهم است یا خیر. نکته مهم دیگر مساله بودجه در شبکه مستند است. درحالی که در کشورهای مهم رسانه‌ای، پرهزینه‌ترین برنامه‌هایشان، مستندها هستند، اما تاکنون نه دیده‌ایم و نه شنیده‌ایم که برای یک مستند مبلغ بالایی هزینه شود؛ حداقل یک‌سوم بودجه سریال‌هایی که شاید ۵۰ درصد هم مخاطب نداشته باشند.

سراغ تعدادی از مستندسازان رفتیم و نظرات و پیشنهادات آنها را برای ادامه راه شبکه مستند جویا شدیم که ماحصل آن را در ادامه می‌خوانید.

محمدرضا امامقلی، کارگردان مستندهای «آقای نخست‌وزیر» و «کربلای ۹۴»:

اهمیت برون سپاری

به نظرم تغییر و تحولات شبکه مستند اتفاق مبارکی می‌تواند باشد اگر مدیر و رئیس جدید چند نکته را مدنظر قرار دهد. البته خیلی به شخص رئیس مرتبط نیست و باید فرهنگ سازمانی در صداوسیما به‌وجود آید. نکته مهم این است که تلویزیون‌ها در دنیا بعد از مدتی به دلیل اینکه نیروهای آنها استخدامی هستند، دچار رکودانگیزه می‌شوند و فکر جدیدی ندارند و بین کادر آن جمود فکری اتفاق می‌افتد که عملا نوآوری و خلاقیت را سکوت می‌کند و به شرایط روتینی می‌افتند.

تلویزیون‌ها برای اینکه از این مساله دور بمانند کارهای خود را برون‌سپاری می‌کنند. به گروه‌های مختلفی که در بیرون از تلویزیون مشغول به فعالیت هستند، کار می‌سپارند. تلویزیون ما این اقدام را شروع کرده است اما به قدر کفایت نیست. به‌نظر من یکی از کارهای مهمی که می‌تواند شروع محکمی برای این کار باشد این است که شبکه مستند تقویت گروه‌های تولیدکننده بیرون را شروع کند. البته به این معنا نیست که شروع نشده ولی نیاز به گسترش بیشتری دارد.

به عبارت دیگر شبکه مستند تولیدات خود را برون‌سپاری کند. این امر می‌تواند فضای خوبی برای بازار مستند ایجاد کند. به‌نظر من الان در کشور ما جایی به نام بازار مستند وجود ندارد. میادین میوه و ترەبار را درنظر بگیرید. ممکن است مثال خوبی نباشد ولی در پلت فرم‌هایی که در آن کالا به فروش می‌رود و مشتری دارد، خریدار و فروشنده با هم حضور پیدا می‌کنند، قیمت گذاری می‌شود و محصول خریداری می‌شود.

چنین بازاری در حوزه مستند نداریم. معمولا تولیدکنندگان قیمت‌های متفاوتی ارائه می‌دهند و خریدارها هم قیمت متفاوتی می‌دهند. خریدار زیادی در حوزه مستند غیر از نهادهای دولتی نداریم. منتها جایی نیست که این قیمت‌گذاری را دقیق کند. بگوید مجمعی از کارشناسان قیمت این کار را این میزان درنظر می‌گیرند و باتوجه به مسائل انسانی و زیرساختی این قیمت‌گذاری انجام شود.

این اتفاق مواهبی دارد که مهم‌ترینش این است که مستندساز خیال راحتی دارد از این جهت که در یک بازاری محصول خود را عرضه می‌کند. بازاری وجود دارد که می‌تواند همواره بدان تکیه کند و محصول خود را در آنجا عرضه کند. خریدار هم خیال راحتی دارد که بازار نیاز او را تامین می‌کند چون بازاری وجود دارد و می‌تواند آنتن تلویزیون را پر کند. بازار نیاز تلویزیون را هم رفع می‌کند.

الان فضایی نداریم که کالا وقتی عرضه می‌شود قابلیت ارزیابی و مقایسه داشته باشد. قیمتی که شما گذاشتید را قیمتی که دیگری تعیین می‌کند باید مشخص شود. این طور باید ارزیابی شود یعنی در کنار مجموعه آثاری دیده می‌شوند و قیمت‌گذاری می‌شوند. این باعث کیفیت در تولید می‌شود چون بالاخره رقابتی برای تولیدکننده پیش می‌آید. از سوی دیگر مصرف‌کننده و خریدار به کار با کیفیت می‌رسد و کاری که به او می‌رسد تقریبا تضمین شده است و ضریب شکست آن کاهش پیدا می‌کند. این کاری است که شبکه مستند می‌تواند از پس آن برآید به شرطی که بال‌ها را باز کند و بقیه مجموعه‌هایی را که در زمینه تولید و انتشار هستند، رقیب خود نبیند. باید بگوییم که من سینما را خانه اصلی مستند نمی‌دانم و تلویزیون به نظر من خانه اصلی مستند است. از این لحاظ بهتر می‌توان حرف زد. واژه سینمای مستند را درک نمی‌کنم و باید این درک را داشته باشیم که خانه اصلی مستند تلویزیون است.

لذا بودجه در این زمینه تعیین‌کننده نیست. اگر این بازار شکل گیرد روند آن روی غلتک می‌افتد و خطا کاهش می‌یابد و کار به کاردان می‌رسد. کسانی که ضعیف‌تر هستند طبعا باید خود را قوی کنند. شبکه مستند ویژگی‌ای دارد که نسبت به سایر شبکه‌ها متمایز می‌شود و آن هم این است که دست شبکه مستند برای طرح بسیاری از مسائل مغفول مانده انقلاب باز است. یعنی به‌نظر من شبکه مستند این دقت و ملاحظه را داشته باشد که جذابیت را در راس امور نگیرند. آن چیزی که باید در راس امور قرار گیرد غایت انقلاب است. تلویزیون انقلابی بعد از انقلاب این بود که تلویزیونی شود که به سمت اهداف انقلاب حرکت کند. یکی از اهداف مهم انقلاب ما برقراری عدل و قسط بود. به‌نظر من در تلویزیون ما خیلی به این مساله توجه نشد. کلا به اصول انقلاب توجه نشد و اساسا تلویزیون ما آن‌قدر درگیر مسائل اجرایی و فنی شد و متاسفانه فنی‌ها افکار غالبی در تلویزیون پیدا کردند و بیشتر درگیر زیرساخت شدیم تا بخواهیم به مباحث نظری بپردازیم. درباره مسائل نظری خیلی کار نشده است. من با این حوزه کاری ندارم و در جای خود محترم است و باید کار شود ولیکن اصولی برای انقلاب داشتیم که آن نظریه‌پردازی نیاز ندارد.

باید بررسی کنیم چطور می‌توان عدل و قسط را در قاب تلویزیون وارد کرد. صرفا نباید به بخش جذابیت توجه کنیم که کار جذابی کنیم و مثل بقیه تلویزیون‌های دنیا مخاطب را جذب کنیم و با المان‌های مشخص بیننده خود را افزایش دهیم. تلویزیون ما هم در برخی بخش‌ها یا جای پای تلویزیون‌های خارج از کشور می‌گذارد تا مخاطب جذب کند. آیا هدف جذب مخاطب بود یا خیر؟ حال که در برخی شبکه‌ها هدف جذب مخاطب شد، شبکه مستند این ویژگی را دارد که روی غایت انقلاب کار کند. غایت انقلاب هم بخش تاریخ شفاهی انقلاب نیست. اینکه محاکمه‌ها و مجالس مختلف و... پخش شود غایت انقلاب نیست. این کار خوب است و جای تشکر دارد ولی باید به این امر توجه کنیم که چطور می‌توان این را نمایش داد. صدای بی‌صدایان را چطور می‌توان نمایش داد؟ تریبون مستضعفان به معنای واقعی چیست؟ در این وادی شبکه مستند می‌تواند بهتر عمل کند و با مدیریت جدید به این سمت بیاید که جسارت به خرج دهد و به سمت بیان مسائل روی زمین مانده انقلاب برود که الان مردم بسیار با آن درگیر هستند.

جواد قارابی، کارگردان «ایرانگرد»:

مدیران، مستند را جدی بگیرند

به‌نظر من در زمینه مستند هم مدیران گرانقدر سازمان صداوسیما، هم تهیه کننده‌ها، هم مستندسازان قدری باید اول موضوع مستند را جدی‌تر بگیرند. در نگرش همه این عزیزان نسبت به مستند و تاثیر آن روی جهان پیرامون مردم و بالا رفتن آگاهی و کیفیت زندگی مردم در زمینه‌های مختلف باید تغییراتی صورت گیرد. همین‌طور اگر مدیران سازمان صداوسیما و تهیه‌کننده‌ها و مستندسازان درکنار هم به این نتیجه برسند که باید هزینه بیشتری برای تولید مستند اختصاص دهند، شاهد تولید آثار با کیفیت‌تری خواهیم بود. فکر می‌کنم بالارفتن کیفیت مستندها در کیفیت زندگی مردم و نگرش شان نسبت به جهان پیرامون خیلی تغییر می‌کند و هزینه کردن در مستند نسبت به خیلی از برنامه‌هایی که ساخته می‌شود و تاثیر چندانی ندارد و تنها برای سرگرمی است، به‌صرفه‌تر خواهد بود. البته من نمی‌گویم سرگرمی نباشد. همه برنامه‌های سرگرم‌کننده می‌توانند مفید باشند ولیکن در کنار این نباید مستند را تنها یک برنامه سرگرمی دید چون فراتر از این است. اگر همه مستندسازان و مدیران عزیز نسبت به این امر جدی‌تر باشند من فکر می‌کنم قطعا اتفاقات خوبی خواهد افتاد. خیلی هم فرقی نمی‌کند که مدیران تغییر کند یا نکنند. من می‌گویم همه مدیران و همه مستندسازان نسبت به این موضوع واقف و آگاه باشند که این مستندهای تولیدی می‌توانند در زندگی همه مردم و زندگی یک جامعه بزرگ همانند ملت ما تاثیر سیاری داشته باشد و مفید واقع شود.

البته به دسته‌بندی مخاطب هم باید توجه شود و این به‌نگاه مستندساز برمی‌گردد که در فکر او چه می‌گذرد و در چه دنیایی زندگی می‌کند و برای چه مخاطبی می‌خواهد این مستندها را بسازد. گاهی مستندی فاخر و فرهیخته است ولی تنها مستندساز قشر دانشگاهی یا قشر خاصی را مخاطب خود قرار می‌دهد. امکان دارد فردی مستندی را بسازد که عوام آن را خیلی نپسندند ولی بخشی از اقشار مردم مثلا برای جامعه پزشکی، جامعه دامداران، باغداران، انبوه‌سازان خوشایند باشد و برای بقیه افراد جامعه خوشایند نباشد. این بستگی به نگاه مستندساز و شرایط جامعه دارد. مهم این است که جامعه می‌طلبد آن را یا خیر. من در مستندهای خود سعی کردم طوری جلو بروم که تمام اقشار جامعه را درگیر کند. یعنی مخاطب آن تمام اقشار جامعه باشند. به این شکل نگاه نکردم که قشر خاصی مخاطب باشند ولی یک مستندساز می‌تواند به این شکل هم نگاه کند. البته من مدیر شبکه مستند نیستم که بخواهم نظری بدهم ولی به‌عنوان مستندساز با نگاه خودم فکر می‌کنم شبکه مستند می‌تواند هم نگاهش به گذشته، هم به امروز و هم به فردا باشد و هم نگاهی باشد که خارج از آنچه واقعیت است وجود داشته باشد یعنی تخیل‌پردازی هم می‌تواند در آن وجود داشته باشد و همزمان مستند هم باشد.

در زمینه مستند فکر می‌کنم شبکه مستند باید تمام اقشار جامعه و تمام اندیشه‌ها و نگرش‌ها را درنظر بگیرد. اما مستند باید آیینه‌ای برای جامعه باشد و آنچه واقعیت دارد را باید منعکس کند. مستند باید آیینه تمام‌قدی از جهان پیرامون باشد. مطمئن باشیم معمولا نگاه مستندسازان در مستند دخیل است یعنی گاهی مواقع خواستم تمام آنچه تولید و پخش می‌کنم عین واقعیت باشد، اما گاهی خودم برخی موارد را به‌دلایل مختلف سانسور کردم. یک‌جا رفتم و درباره زیبایی منطقه می‌توانستم صحبت کنم ولی شرایط طوری بود که تخریب‌های محیط‌زیست را منعکس کردم. در جایی هدف من این بود که زیبایی‌ها را منعکس کنم، اما آنجا به این نتیجه رسیدم که بهترین گزینه این است که این تخریب‌ها را منعکس کنم یا صحبت‌هایی که بین مردم وجود دارد را بیان کنم. حوزه‌های زیاد و متنوعی وجود دارد که بخواهم در مستندهایم درباره آنها صحبت کنم.

ادامه از صفحه ۱۲

حسین لامعی، کارگردان مستند «قدیس»:

باید دست مدیر را باز گذاشت

دو مورد به ذهن من درباره شبکه مستند می‌رسد؛ یک، روی سخنم با مدیریت سیماست و دو هم با خود آقای محسن یزدی. نکته اول آنکه چه بپذیریم چه نپذیریم، مخاطبان صداوسیما ریزش کرده‌اند. بسیار هم ریزش کرده‌اند. خود مدیران سیما می‌گویند که شبکه‌های اجتماعی در کم‌مخاطب‌شدن صداوسیما تاثیرگذار بوده‌اند. یعنی پذیرفته‌اند بخش عظیمی از مردم دیگر تلویزیون نمی‌بینند. خب طبیعی است که مدیران سیما باید سیاستگذاری‌هایشان به کل تغییر کند. اگر نخواهد تغییر کند، همین اندک‌مخاطبان‌شان را هم از دست می‌دهند. ممکن است مدیران سیما از این حرف‌ها خوش‌شان نیاید، ولی حقیقت دارد و همه داریم می‌بینیم. روی سخن من به‌خصوص با آقایان علی‌عسکری و میربافری است؛ وقتی شما کسی همچون محسن یزدی را به مدیریت شبکه مستند منتصب می‌کنید -شخصی که خودش سالیان طولانی است مستندساز، جوان و نترس است- باید اختیار تام به او بدهید وگرنه هیچ اتفاق مثبتی رخ نخواهد داد. باید دستش را باز بگذارید وگرنه خوب قرار است برای چه کسانی ساخته شود؟ ای کاش آقای میربافری درباره نسبت مخاطب و شبکه مستند هم مواردی را تبیین می‌کردند که اساسا مخاطب برای مدیران شبکه مستند مهم است یا خیر. نکته مهم دیگر مساله بودجه در شبکه مستند است. درحالی که در کشورهای مهم رسانه‌ای، پرهزینه‌ترین برنامه‌هایشان، مستندها هستند، اما تاکنون نه دیده‌ایم و نه شنیده‌ایم که برای یک مستند مبلغ بالایی هزینه شود؛ حداقل یک‌سوم بودجه سریال‌هایی که شاید ۵۰ درصد هم مخاطب نداشته باشند.

سراغ تعدادی از مستندسازان رفتیم و نظرات و پیشنهادات آنها را برای ادامه راه شبکه مستند جویا شدیم که ماحصل آن را در ادامه می‌خوانید.

وحید چاووش، کارگردان مستندهای «نیست اما هست»:

از مردم دور نشویم

من پیشنهاد ویژه‌ای ندارم. اصلی‌ترین کار این است که مسئولان را درست سر جای خود بنشانیم. اگر می‌خواهید درست انجام شود کار را به کاردان بسپارید و اگر می‌خواهید کاری را نابود کنید به دست کسی بسپارید که کار را بلد نیست. بهترین کار همین است که اتفاق افتاده است. یعنی به‌نظر من محسن یزدی آدمی است که کار را می‌شناسد و سابقه و کارنامه دارد. کارنامه او در این حوزه موفق بوده است. من بسیار امیدوار هستم. این بهترین کاری بود که انجام شد. باید منتظر بمانیم نهالی که کاشته شد ثمر بدهد. باید مدنی صبر کنیم و ثمره آن حاصل شود. من به این تحول بسیار امیدوارم. یکی از درست‌ترین انتخاب‌های تلویزیون بوده خصوصا در شبکه مستند یکی از انتخاب‌های خوب شبکه مستند بوده و کلا انتخاب محسن یزدی برای شبکه مستند یک انتخاب درست تلویزیون بود. می‌توان گفت جزء معدود انتخاب‌های درست تلویزیون بود. به هرحال مستند قابلیت این را دارد که تبدیل به پربیننده‌ترین برنامه تلویزیون شود. مثال این بسیار روشن است. همیشه در فضایی انتخابات ریاست‌جمهوری که آقایان نامزد سراغ مستند می‌آیند، فیلم‌های مستند یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیون می‌شود. بلاشک یکی از این اتفاقات رخ می‌دهد. مثال دیگر پرونده‌های جنجالی است که وجود دارد. یک زمانی به مدیر وقت شبکه سه، آقای پورمحمدی، گفتم و به باد دارم آقای مهران مدیری برنامه‌ای داشت، به او گفتم می‌توانم برنامه‌ای مستند در این حوزه بسازم که اجازه بدهید کار کنم و محدودیت‌های دست‌وپاگیر پخش را بردارید، برنامه‌هایی می‌توانم تولید کنم که پیننده فیلم مهران مدیری را کنار بگذارد و این برنامه را دنبال کند.

همین الان مشکلات جامعه و گرفتاری‌ها و حرف دل مردم را در قالب مستند با شکل درست و فنی و فرهیخته نمایش دهید خیلی‌ها تماشا می‌کنند. اینکه در شبکه‌های ما اینقدر تماشاچی افت می‌کند چون حرف‌های مردم را بیان نمی‌کنیم. چیزهای دیگری بیان کرده و در دنیای دیگری سیر می‌کنیم. بنا به مصلحت‌اندیشی‌های غلط و مصلحت‌اندیشی‌هایی که سال‌ها تجربه کردند و غلط بودن آن را دیده‌اند و غلط بودن آن با افت مخاطب روشن می‌شود. من معتقد هستم شبکه مستند و فیلم مستند قابلیت دارد که جزء برنامه‌های پربیننده تلویزیون باشد. به‌شرطی که حرف مردم را بیان کند، به‌شرطی که نزدیک دردل‌ها و دردسرها و حرف روز مردم باشد، حرف کوچه و خیابان و تاکسی‌ها باشد. حرف‌هایی که بیان کردم صرفا معطوف به شبکه مستند نیست. همه تلویزیون می‌توانند این باشد. تا الان من هیچ فیلمی برای شبکه مستند نساخته‌ام، اتفاقا دلیل همین مخاطب کم این شبکه بود. یعنی ترجیح دادم در شبکه سه یا شبکه دو کار کنم تا فیلم من بیشتر دیده شود. بعدها ممکن است شبکه مستند گرفته باشد و در شبکه مستند پخش کرده باشد.

من درباره کلیت تلویزیون حرف می‌زنم که باید همه جور برنامه‌ای داشته باشد، هم سرگرم‌کننده و هم اینکه آیینه مردم باشد. مردم ما شادی، عزا و... دارند شما حتی در خانه خود، هم می‌خندید و هم غصه‌دار می‌شوید، همه این مسائل با هم است. من بیشتر به فیلم‌های اربعین شناخته شده‌ام، در اربعین همه چیز گریه و عزاداری و در سر زدن نیست. تلویزیون این را نشان می‌دهد. در پیاده‌روی اربعین در یک جایی قهقهه می‌زنم. حرف می‌زنیم، شوخی می‌کنیم، می‌خندیم. بخواهم در روز اربعین همین آیینه را نشان دهم مردم خود را در این آیینه می‌بینند. من کلیت موضوع را بیان می‌کنم. به‌نظر من اشتباه این است که از مردم دور هستیم. یک فرهنگی را می‌خواهیم به مردم تحمیل کنیم. مگر مردم چه چیزی هستند؟ مردم در کوچه و بازار عزاداری می‌کنند، روضه می‌خوانند. از سوی دیگر شادی می‌کنند و می‌رقصند. همان آدم هیاتی در یک جایی ممکن است برقصد، چرا رقص او را نشان نمی‌دهید. تلویزیون باید آیینه مردم باشد و مردم خود را در آن ببینند. کل تلویزیون همین است، می‌توانند شبکه مستند، شبکه یک یا هر یک از این شبکه‌ها باشند.

ادامه در صفحه ۱۳

گفت‌وگو با رامین حیدری فاروقی، کارگردان مستند «خشت بهشت»:

مدیران شبکه مستند منتظر مراجعه مستندسازان نباشند

شبکه مستند در عمر ۱۰ ساله خودش چقدر توانسته در میزان شناخت و جذب مخاطب مستند موفق عمل کند؟

از همان سال‌های اول، تأسیس شبکه تخصصی نمایش آثار مستند یک تأثیر اساسی داشت و آن آشنایی عموم مخاطبان تلویزیون با تنوع گونه‌های مختلف سینمای مستند بود و اینکه مستندسازان از مرحله اول مطالبه سالیان خود گذشتند و داستان تولید و عرضه و نمایش آثار مستند در ساعات مناسب ممکن شد. حالا بعد از یک دهه برای ارزیابی درست عملکرد شبکه مستند باید به آمار و نتایج اثربخشی فصل‌های مختلف فعالیت دسترسی داشت. اما من گمان می‌کنم به‌نسبت امکانات نابرابر رقابت با بخش‌های مربوط به سیاست و سرگرمی در مجموعه شبکه‌ها عملکرد قابل قبولی است اما در مقام سنجش فاصله با تراز معیار، مشکل سرمایه‌گذاری در بخش تولید و انعکاس همه‌جانبه سینمای مستند، به چشم می‌خورد. اگر شبکه مستند آزادی عمل بیشتری می‌داشت، حتما تماشاگران بیشتری هم داشت.

البته نباید فراموش کرد سینمای مستند برای به پا آوردن و تأمل است و به این سادگی‌ها نمی‌تواند با صنعت تفنن رقابت کند.

شبکه مستند در حمایت و تربیت مستندسازان هم نقشی داشته یا خیر؟

فکر نمی‌کنم تربیت مستندساز از وظایف این شبکه تلویزیونی باشد. پشتیبانی و تشویق و دراختیار قرار دادن موقعیت تبدیل ایده به اجرا و توجه به تداوم کیفی و کمی کار مستندساز است که شبکه می‌تواند به آن کمک کند و موجب نوعی احساس امنیت شغلی شود و اینکه توفیق در کار برای او تداوم در موفقیت به‌بار می‌آورد. اگر شبکه مستند می‌توانست انواع متنوع‌تری از مستند، به‌ویژه آثار اجتماعی با انتقادی را پخش کند و بودجه مفصل‌تری داشت، نقش بزرگ‌تری هم می‌داشت.

اما من درمجموع از بودنش راضی‌ام و ارتقای کیفی آن را محصول کارهایی می‌دانم مانند سرمایه‌گذاری تلویزیون در تسهیل فرآیند تولید و پخش و ساده کردن بروکراسی برنامه‌سازی. اما همه‌چیز به این محدود نمی‌شود و توجه سیاست‌های کلان کشور به توسعه واقع‌بینی در مدیریت بخش‌های مختلف حوزه فرهنگ و هنر و سیاست از یک‌سو و از جانب دیگر، کوشایی و خلاقیت و پژوهش مستندسازان است که می‌تواند ما را به شرایط مطلوب نزدیک کند. در ضمن فراموش نکنیم که ترسیم و تصویر شرایط مطلوب و طراحی و نقطه‌گذاری مسیر، حتما به شناخت وضعیت موجود بستگی دارد و باید قواعدی برای فهم و درک و تحلیل و ابراز آن باشد و کار بخشی از مستندسازی هم همین است. اگر مستند بخواهد محتاط باشد و محدود، مثل حرکت ماشین است با ترمزدستی درگیر. اگر این امکان فراهم شود و مستندساز، مرجع و قابل اعتماد و امین قلمداد شود، می‌شود درمورد دقت و صحت روایت مستندساز سختگیر بود و برای شدنش به منتقد و کارشناس حرفه‌ای محتاج است. مستند فقط در تولید به پایان نمی‌رسد و از آموزش تا عرضه و ارزیابی، چرخه جامعی است و باید بخش‌های مختلف دست‌اندرکار آن از هم بی‌خبر نباشند و از یکدیگر پشتیبانی کنند.

با توجه به تغییر مدیریت این شبکه، چه پیشنهادهایی برای بهترشدن تولیدات شبکه مستند در ادامه راه دارید؟

پیشنهاد خاصی ندارم جز اینکه منتظر مراجعه مستندسازان نباشند و با شناخت از سوابق آنها، به‌خصوص در موضوع ساخت مجموعه‌های مستند، ببینند چه کسانی چه کرده‌اند و از نمونه‌ها و افراد موفق، سراغ بگیرند و زمینه تولید را برایشان فراهم کنند، فکر کنم این کارها خوب است.

دلایل اینکه مستند در ایران به‌اندازه کشورهای دیگر داشته چه جیزهایی است؟

فرضیه این پرسش قدری محل اشکال است. یعنی سینمای مستند ما به‌نسبت بخش‌های دیگر و امکاناتش اصلا اوضاع بدی ندارد. در ضمن اینکه نسبت به کدام کشورها دست به مقایسه می‌زنیم هم، کاری فنی است و باید سابقه و امکانات و شیب توسعه و رشد را سنجید و بعد مقایسه کرد. سینمای مستند ما شایسته توجه و تشویق است؛ در معتبرترین جشنواره‌های مستند، فیلمسازان ما آثارشان را می‌شانسانند و تشویق می‌کنند. نمونه‌هایی از تولید مشترک شکل گرفته است و... هزار گرفتاری هم هست که بیش از مستند، به ساختار مدیریت سرمایه‌گذاری و سنجش اثربخشی ایده‌ها و فرفازهای مدیریتی مربوط است و به امکان و حوصله عمومی برای توجه به تأمل و تفکر ارتباط دارد که مثل همیشه ما را می‌برد به اوضاع نظام آموزش کشور، جریان درهمی که خودش سرفصل مفصلی است پرچالش.

پیام پنج بندی رهبری به مستندسازان

۲۱ دی سال ۹۶ جمعی از مستندسازان فعال انقلاب اسلامی به دیدار رهبر انقلاب رفتند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای این پیام ۵بندی را در این دیدار برای مستندسازان به‌یادگار نوشتند. شاید یادآوری این موارد در دوره جدید شبکه مستند خالی از لطف نباشد. رهبر انقلاب در متن پیام‌شان آورده بودند:

جوانان عزیز مستندساز!

در پی جلسه شیرین دیشب، این نکته‌ها را در یاد نگه دارید:

۱- جهت انقلابی را با دقت تمام حفظ کنید، بازی‌های تکنیکی و شهرت حرفه‌ای بر صفا و درست کاری انقلابی کار غلبه نکند، با سر افراشته، زبان و عمل نشان دهید که مومن و انقلابی هستید.

۲- جنگ نرم دشمن، بر پایه دروغ و تحریف و شایعه و سانسور و بایکوت بنا شده است. هنر شما می‌تواند با سند، کار دشمن را بی‌اثر کند. تاریخ ۴۰ ساله، لبریز از سندها بر حقانیت جمهوری اسلامی و کج‌روی و گمراهی دشمنان است.

۳- یک هدف اساسی دشمن، ترویج بدبینی و نومیدی است. دست‌مایه‌های امید در کشور بی‌شمار است. هنر شما قادر است با استناد به واقعیات، سرچشمه امید و شوق و حرکت باشد.

۴- مستند انتقادی، مفید و لازم است. لحن اثر باید ناصحانه و چاره‌جویانه باشد. در انتقاد، لحن خصمانه و یأس‌آلود و هرج‌ومرج‌طلبانه، فایده‌ای را تبدیل به زیان می‌کند. زبان طنز به رسایی و سودمندی اثر کمک می‌کند.

۵- رضای خدا را در کارها در نظر بگیرید و او از شما کمک بخواهید.